

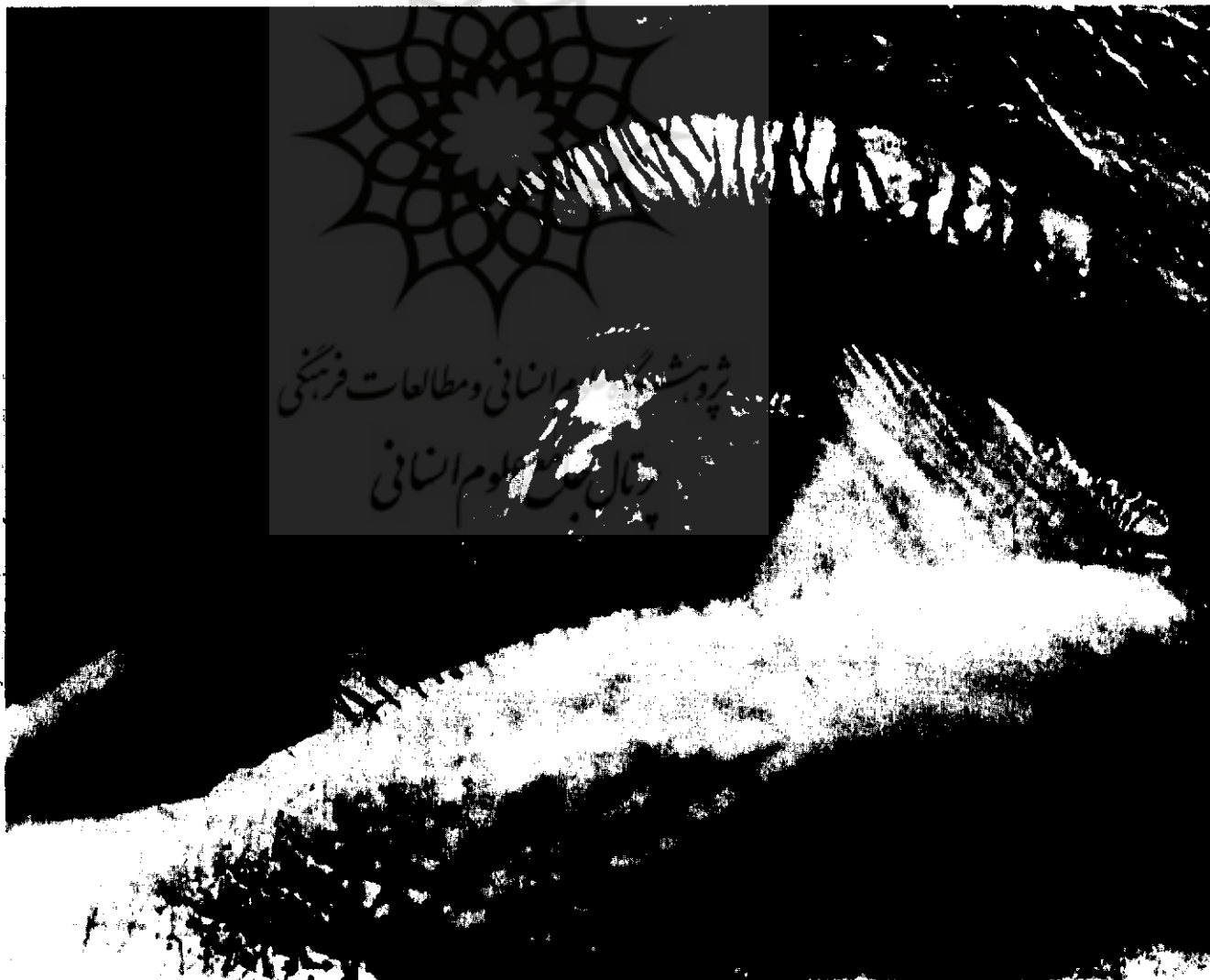
در سال جاری اولین نمایشگاه دوسالانه جهانی عکاسی در میهنمان برگزار خواهد شد. آنچه در ادامه می‌آید در مقاله از کارل پاوک و هاینریش بل و گزیده عکسهای اولین نمایشگاه جهانی عکاسی آلمان است.

مقاله‌ها در آغاز نشریه‌ای که تمامی عکسهای نمایشگاه را دربرداشته آمده‌اند و به همین دلیل گهگاه به نمایشگاه اشاره کرده‌اند. در اینجا هر دو مقاله بدون هیچگونه دخل و تصرفی و به دلیل نکات قابل تعمقی که در مورد عکاسی مطرح کرده‌اند به خوانندگان فصلنامه هنر ارائه می‌شود.

نمایشگاه جهانی عکس با معاضدت چند سوزه و نشریه و به اهتمام کارل پاوک برگزار می‌شده است.

هاینریش بل
ترجمه فواد نجف‌زاده

دوربین انسانی



ریاکارانه و هدفشان آشکار است: به باد انتقاد گرفتن. در این مورد، حقیقت و انصاف ملاک نیستند و تنها معیار، تمایلی مغرضانه به نقاط ضعف انسان است.

اخلاق عکاسی؟

هنگامی که لنز کارش را انجام می‌دهد، چنین تصویری خشنده‌آور به نظر می‌آید. فریبکاری بزرگ عکاسی مسبوق به فریبکاری «واقعیت عینی»^۴ است. این لنز نیست که قدرت تصمیم‌گیری را به وجود می‌آورد بلکه چشم عکاس، انتخاب او در مورد مواد شیمیایی و فرایندهای کاهش و گسترش و انواع کاغذهاست که این قدرت را به وجود می‌آورند. بنابراین در این مورد، مجموعه‌ای از فرایندهای تحریف‌کننده در پشت واقعیت قرار می‌گیرند.

شاید عکسهای موجود در آلبومهای پدرها و پدربزرگهای ما شرافتمندانه‌تر بودند: صحنه‌پردازیهایی آشنا، حالت‌های مصنوعی، ترکیب‌بندی و تنظیم، به کلی انسانی‌تر از عکسهای فوری^۵ هستند. در کلمه عکس فوری دو فعل نیرومند به یکدیگر پیوسته‌اند: قاپیدن^۶ و عکس گرفتن^۷. هنگامی که هر انسانی این توانایی را دارد که طبق خواسته‌اش عکسهای بگیرد که از نظر فنی کامل هستند، برادر بزرگ او رول عملاً همیشه و در همه‌جا آماده است. چشمهای مصنوعی سحرآمیز در همه‌جا، تعمیرگاهها، خطوط تولید و گذرگاهها را واری می‌کنند. هر روز بر روی عکسها، عکسهای گرفته و نابود می‌شوند، بر روی هم چیده می‌شوند، جمع‌آوری می‌شوند، یک حراج عظیم پاکسازی محیط که تماماً به بهای چشم انسان عملی می‌گردد؛ و این نکته معنایی دوگانه دارد - به بهای توانایی انسان برای دیدن و به بهای انسانیتش. عکسها به عنوان یادگار در آلبومها چیده می‌شوند و پس از چند سالی، عواطف را یادآوری نموده و لحظات تولد، ازدواج و مرگ را ثابت نگه می‌دارند. لحظاتی وجود دارند که مفهوم یک چشم‌انداز

در عکاسی، لحظات فوق‌العاده‌ای وجود دارند: هنگامی که دوربین در یک لحظه تاریخی بر روی موضوع متمرکز باشد، هنگامی که بتوان بدون آسیب رساندن به تقدیر یک فرد در فرایند عکاسی، خصوصیتی جهانی در تقدیر او را در یک تصویر ارائه کرد، در جایی که دوربین فضولی می‌کند و ابزار آن، یعنی لنز به ابزار عکاس تبدیل می‌شود که می‌خواهد آدمهای بی‌خبر را شکار کند، تا آنان را به باد انتقاد بگیرد و نقاب از چهره ایشان بردارد. آنگاه عکاسی حرکت به فراسوی مرزهای زیبایی‌شناختی و اخلاقی‌اش را آغاز می‌کند. پرواضح است که هرکس پشت سوراخ کلیدها کمین کند مستعد است نقاط ضعف سرشت انسان را کشف نماید. ما مدتی طولانی رابطه متقابل تابو^۱ و راز^۲ را عادی تلقی کرده‌ایم. تابوها سحر را پنهان می‌کنند و رازها چنین نمی‌کنند. دین، عشق و خواب سحرآمیز نیستند اما سرشار از راز هستند و زندگی روزمره نیز چنین است: شیوه‌ای که آدمها غذا می‌خورند، لباس می‌پوشند و نان روزانه‌شان را در کنسار یکدیگر به دست می‌آورند، خانواده، حرفه، دوستی.

هنگامی که خصوصیتی جهانی در سرنوشت فردی انسان قابل رؤیت می‌شود، عکاسی فقط می‌تواند، بدون آنکه این اسرار توسط عکاسی آسیب ببینند، به چنین اسراری نزدیک شود. این نکته به معنی آموختن درباره اسرار شخصی و برملا کردن آنهاست. برای قرار دادن یک میکروفون در جایگاه اعتراف، سهیم شدن در اعتراف به اسرار و حتی پخش آنها از یک ایستگاه رادیویی، به دانش یا مهارت فنی فوق‌العاده نیاز نیست.

برنامه تلویزیونی مشهور «دوربین مخفی» صرفاً یک سوءاستفاده برای اهداف فکاهی برادر بزرگ او رول^۳ است که چشمها و گوشهایش هیچ چیز را از دست نمی‌دهند. وقتی که چیزی به این شیوه ضبط یا استراق‌سمع شد از طریق نوار، تصویر چاپی یا پرده سینما به انظار عموم عرضه می‌شود، این تکنیکها